

سیمای دهه شصت ایران از نگاه منتقدان

به کوشش:
محمد علی حیدری

مشاور پروژه: سعید قطبی زاد

سرشناسه	: حیدری، محمدعلی، ۱۳۶۸ -
عنوان پدید آورنده	: سینمای دهه شصت ایران از نگاه منتقدان/به کوشش محمدعلی حیدری؛ مشاور پروژه سعید قطبی زاده.
مشخصات نشر	: تهران: روزنه، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۶۸ ص.:
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۵۸۳-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: سینما -- ایران -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
شناسه افزوده	: قطبی زاده، سعید
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ ح ۹ الف/۵/۱۹۹۳ PN
رده بندی دیویی	: ۷۹۱/۴۳۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۱۵۵۳۲۱



سینمای دهه شصت ایران از نگاه منتقدان

به کوشش: محمدعلی حیدری

مشاور پروژه: سعید قطبی زاده

طرح جلد: محمدعلی دارایی قادیکلایر

صفحه آرا: اکرم مداح

چاپ اول: ۱۳۹۵

قیمت: ۲۳۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: چاپ و تبلیغات شاتوت

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۵۳۶۳۱-۸۸۵۳۷۳۰ نمابر: ۸۶۰۳۴۳۵۹

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۴-۵۸۳-۹ ISBN: 978-964-334-583-9

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست

۷	پیشگفتار
۹	محمد تهامی نژاد
۹۳	هوشنگ گلیمکانی
۱۱۳	عباس بهارلو
۱۲۵	سعید عقیقی
۱۳۵	احمد میراحسان
۱۹۷	حمیدرضا صدر
۲۵۵	اعظم راودراد
۲۹۷	آنتونیا شرکا
۳۰۹	بهزاد عشقی
۳۳۷	جبار اذین
۳۵۱	بهارک محمودی

پیشگفتار

من کوبند در کودکی است که انسان آداب زندگی فردی و اجتماعی را می آموزد. در آن سال‌های اول تولد و بزرگسالی است که صاحب چیزی به نام شخصیت می شود و بسیاری از رفتارهای درست و نادرست آدمی، با مطالعه کودکی او بررسی و درمان می شود. منصفانه که نگاه کنیم، سینمای ایران پس از انقلاب، از نو متولد شد و هیچ چیز این سینمای نورانی را شباهتی به قبل نداشت. در همان سال‌های طفولیت، هر که از راه رسید برای او نسخه‌ای پدید می آید. برخی با وجود و حیات او کنار نمی آمدند و عده‌ای می خواستند چنان گساح و آو بگ بارش بیاورند که پیش از رسیدن به بلوغ، جوانمرد و ناکام و ناپدید شود. دوازده بود مصون نگه داشتن این کودک، از این دایگان دلسوزتر از مادر. در آن سال‌ها، مامان با آوردن سینما موضوع مناقشات بود و هم انتظارات نابه جایی که از آن می رفت. آنها که رنج تصویر متحرکی را بر پرده سینماها، مترادف ظهور دوباره ابتذال طاغوت می دانستند نمی دانستند که طلوع این خورشید با ساعت خوابیده آنان هماهنگ و همزمان نیست و دگرگونی که یکشنبه توقع چرخه آزاد سینمای صنعتی با معیارهای هالیوود را داشتند، نشاندن سعه صدر را که بدانند جان نحیف کودکی خردسال، یارای کشاندن این بار سنگین را ندارد. اما در دل این توفان، آن کودک پاک و نجیب رشد کرد و بزرگ شد و به بلوغ رسید و خود آموخت که چه در سر بیورد، از کدام راه عبور کند و چگونه از خود دفاع کند. در این کتاب از سرگذشت آن کودک بی گناه سخن گفته می شود، در سال‌هایی که کوچک ترین لغزش، ممکن بود او را از پرتگاه جهل و زیاده خواهی به زیر افکند. این کودک را هر که دیده بود و با او زیسته بود، آنگونه روایتش می کند که خود می خواهد.

لیک زمان‌های است که هر گفته‌ای درباره آن سال‌ها، بیش از آنکه معرف و مبین آن سال‌ها باشد، شرح حال گویندگانی است که ای بسا هم‌چنان طلبکار قوای پهلوانی از آن کودک مظلومند و ای بسا هم‌چنان سودای پایین کشیدن فتیله‌ای کم‌سو را دارند، که با همه کم‌سویی‌اش، فروزان بود و فروزان ماند. آیین این چراغ از همان آغاز خاموشی نبود. در همان روزگار، فیلمی نمایش یافت محصول سینمای معترض شوروی، از فیلمسازِ محترّم در تبعید، که فهرمانش با خود عهد کرده بود شمع نیمه‌جان را در آبیگری مرموز، از گزند بادهای مزاحم در امان دارد و به مقصد برساند. بگذریم از اینکه آن فیلم و آن فیلمساز و آن نوع نگاه، همان زمان و بعدها، دستاویزی شد برای هجمه‌ها و طعنه‌های بسیار، لیکن قصه آن شمع و زمانه ماندگار حق به قیمت از یافتادن‌ها و خرد شدن‌ها، هم‌چنان بر سر زبان‌هاست. در آرای معارف‌پژنان و ستاینده‌گان آن سال‌ها، نکته‌ای پُر اشارت که شنیدنش از هر زبان، قصه نامکرر عشق است. این کودک اگر زخمی ناخواسته برداشت، از عشق بود و اگر بر لکنت چیره شد و صاحبِ دنیایِ اش عالم‌گیر شد، باز هم از عشق بود. کافی است لحظه‌ای گمان بریم که ترانه‌ای است این کودک، عاری از هر گونه خطا و کاستی بوده، تا آنگاه به ورطه‌ای درافتیم که همیشه روزگار از آن پرهیز داشتیم. پس تردیدی در کاستی‌ها نیست. انصاف اگر پشتوانه‌ای نداشته باشد، آشکارمان می‌کند که به آن روزگاران گاه اراده‌ای بود و امکانی نبود، ارادتی بود و استاز نبود. گفتنی‌ها کم نیست. می‌توان دفتر خاطرات ناگفته آن سال‌ها را از صندوق فراموشی دل، گشود و برگ برگش را نشر داد. اما بهتر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حاشیه، گران. این کتاب حدیث دیگران است. دیگرانی که دیگری نیستند و هنر را در تماشای دلت و کاوش بی‌پایان، هر بار از نو کشف می‌کنند؛ منتقدان. بی‌آنکه به سمت و سوی نگاه و مواضع این بزرگواران درباره سینمای ایران در سال‌های دهه شصت توجه کنیم، مجموعه مقالات این کتاب، کانون انباشت و تراکم ایده‌هایی است بکر و اندیشه‌ورزانه، از جانب قشری همواره شریف که بیش از همه از سوداگری و فریب به دور است و با قلم خویشی و پیوند دارد.